

رئیس جمهور نظام

□

www.ketab.ir

□

تألیف

صادق خانی علی اکبری

□



سرشناسه	خانی علی اکبری، صادق
عنوان و نام پدیدآور	رییس جمهور نظامی / تالیف صادق خانی علی اکبری.
مشخصات نشر:	تهران: سروش برتر، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	: ۳۷۶ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۳-۱۱-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا.
موضوع	روای جمهور -- سرگذشتنامه
موضوع	Biography -- Presidents
موضوع	اروپا -- سیاست و حکومت -- تاریخ
موضوع	Europe -- Politics and government -- History
رده بندی کنگره	: D۱۰۷
رده بندی دیویی	: ۹۲۰/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۵۳۸۸۵۳



رئیس جمهور نظامی

تألیف: صادق خانی علی اکبری



ناشر: سروش برتر

طرح و گرافیک: سیدمحسن زمانی

طرح جلد: هفتان □ اجرای صفحه آرای: مهدی نحوی

نوبت چاپ: دهم □ سال چاپ ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ □ چاپ و صحافی: موسسه بوستان کتاب قم

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۵۹۳-۱۱-۲

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

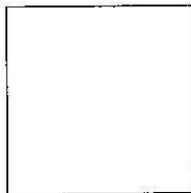
مرکز پخش: تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا،

ساختمان ۲۴۲، واحد ۹.

تماس: ۰۲۱-۸۸۰۶۵۲۱۶-۱۸

فروشگاه آنلاین: www.khanialiakbari.ir



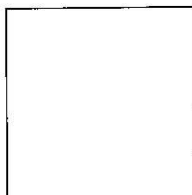


فهرست مطالب

پیشگفتار ناشر.....	۷
پیشگفتار مؤلف.....	۹
مقدمه.....	۱۵
وینستون چرچیل / سیاستمدار نظامی، رهبر حزب محافظه‌کار، نخست‌وزیر و وزیر جنگ انگلستان در.....	۲۷
کلمنت ریچارد اتلی / رهبر حزب کارگر، نخست‌وزیر انگلستان.....	۳۷
موریس هارولد مک‌میلان / وزیر دفاع و نخست‌وزیر انگلستان.....	۴۷
شارل آندره ژوزف ماری دو گل / رئیس جمهور و فرمان‌مآلی فرانسه.....	۶۱
ژورژ پمپیدو / فعال نظامی در جنگ جهانی دوم، نخست‌وزیر و رئیس جمهور فرانسه.....	۷۱
ژاک شیراک / فرمانده عالی نیروهای مسلح، نخست‌وزیر و رئیس جمهور فرانسه.....	۷۷
فرانسیو توژمان / اولین رئیس جمهور کشور کرواسی.....	۸۵
کولیندا گرابار کیٹاروویچ / دستیار دبیر کل ناتو و رئیس جمهور کرواسی.....	۹۹
احمد سوکارنو / رهبر استقلال و پیشرفت اندونزی.....	۱۱۳
مایینگ ژئو / درجه‌دار نظامی، ششمین رئیس جمهور تایوان.....	۱۲۵
مصطفی کمال آتاتورک / درجه‌دار نظامی، رهبر ملی، پدر نوسازی و رئیس جمهور ترکیه.....	۱۳۳
عصمت اینونو / ژنرال ارتش، نخست‌وزیر و رئیس جمهور ترکیه.....	۱۴۵
فیدل والدز راموس / ژنرال، وزیر دفاع و رئیس جمهور فیلیپین.....	۱۵۳
پارک چونگ هی / ژنرال توسعه، رئیس جمهور کره جنوبی.....	۱۶۱
ابول پاکیر زین‌العابدین عبدالکلام / دانشمند موشکی و رئیس جمهور محبوب هند.....	۱۷۱
پراناب موکرژی / وزیر دفاع و سیزدهمین رئیس جمهور هند.....	۱۸۱

- هواری بومدین (محمد بوخاروبه) / وزیر دفاع و دومین رئیس جمهور الجزایر ۱۹۱
- جمال عبدالناصر حسین / رهبر نظامی انقلاب ۱۹۵۲ و دومین رئیس جمهور مصر ۲۰۳
- محمد حسنی مبارک / فرمانده نیروی هوایی و چهارمین رئیس جمهور مصر ۳۱۷
- ژنرال یعقوب گوون / رئیس جمهور نیجریه ۲۲۵
- فرانکلین دلانو روزولت / رئیس جمهور آمریکا ۳۳۱
- ریچارد نیکسون / درجه دار نظامی، فرمانده نیروی دریایی و رئیس جمهور آمریکا ۲۴۳
- میچل باچله / وزیر دفاع و رئیس جمهور شیلی ۲۵۳
- لستر بولز پیرسون / درجه دار نظامی، دارنده جایزه صلح نوبل و چهاردهمین نخست وزیر کانادا ۲۶۱
- خوان مانوئل سانتوس کالدرون / وزیر دفاع و رئیس جمهور کلمبیا ۳۶۷
- هوگو رافائل چاوز فریاس / قهرمان محبوب و رئیس جمهور ونزوئلا ۳۷۹
- منابع و مآخذ ۳۹۷

www.ketab.ir



پیشگفتار ناشر

امروزه دولت‌ها در پی کاهش درگیری و رویارویی مستقیم در میدان‌های نبرد هستند و از توان دفاعی، بیشتر برای جنبه نمایشی و بازدارندگی آن بهره می‌جویند؛ به این امید که دولت‌های بالقوه تهدیدگر با مشاهده توان بازدارندگی طرف مقابل، هزینه به فعلیت رساندن تهدید خود را نسبت به سود احتمالی بیشتر بدانند و از انجام آن پشیمان شوند. دیپلماسی نظامی شیوه نوینی از به‌کارگیری رایج راهبردی و سخت‌افزاری قدرت است که در چهره‌های دیپلماتیک منعکس می‌گردد و هدف آن تقویت چانه‌زنی و ارتقای قدرت هر کشور در پیشبرد اهدافش است. دولت‌ها با بهره‌گیری از این نوع دیپلماسی می‌توانند در مقابل قدرت‌های رقیب و دشمنانشان توان بازدارندگی بیشتری داشته باشند و در مذاکرات با آن‌ها قدرت جولان و ابتکار عمل بیشتری به دست گیرند. جمهوری اسلامی ایران، به‌خصوص بعد از مطرح شدن موضوع هسته‌ای، آماج تهدیدات و حملات مختلف اقتصادی و سیاسی بوده و این مسئله باعث شده است تا کشور از لحاظ سیاسی و اقتصادی با شرایط حساسی مواجه شود. با توجه به یادکرد تجربیاتی از حضور نظامیان در رأس قدرت کشورهای مختلف - که موضوع کتاب حاضر است - حضور فردی با سابقه نظامی در رأس امور اجرایی کشور می‌تواند امکان دفاع بهتر و موفق‌تر از حقوق ملت را ایجاد نماید و کشور را از این گردنه صعب تاریخی، به سلامت عبور دهد. در پایان این پیشگفتار بایسته است از زحمات مولف ارجمند، جناب آقای صادق خانی علی‌اکبری قدردانی نمایم؛ امید که دریای دانششان خروشان و چشمه قلمشان جوشان باد. همچنین باید از پژوهندگان فرهیخته: دکتر سمیه عباسی دانش آموخته دکتری تاریخ از دانشگاه تربیت مدرس، دکتر محبوبه شفاعی دانش آموخته دکتری تاریخ از

دانشگاه تربیت مدرس، دکتر علی طاهری دانش آموخته دکتری تاریخ از دانشگاه تربیت مدرس، دکتر کامران حمانی دانش آموخته دکتری تاریخ از دانشگاه تربیت مدرس که با کاوش در زوایا و خبایای متون گوناگون، داده‌های مورد نیاز پژوهش را به دقیق‌ترین صورت و روشن‌ترین بیان، استخراج نمودند، سپاسگزاری نماییم؛ امید که رهوار جستارشان پویا و اراده‌راسخشان پایا باد.

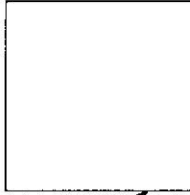
همچنین از خانم دکتر نسرین خانی دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه رازی کرمانشاه که ویراستاری ادبی کتاب را بر عهده داشتند، تشکر می‌نمایم. ضمناً لازم است از مشاورین محترم این اثر علمی: جناب آقای دکتر عزت الله عزتی استاد پیشکسوت جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک کشور، دکتر مجید غلامی استاد جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه تهران، دکتر علی ططری استاد حوزه پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، حجت الاسلام والمسلمین احمد جنت امانی استاد حوزه علمیه قم، دکتر سجاد کمری عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه جامع، دکتر حسن نصرتی دانش آموخته دکتری علوم سیاسی از دانشگاه فردوسی مشهد، دکتر غلامرضا سالمیان عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه، دکتر مجید غلامی جلیسه و مهندس محمدرضا مودودی مشاورین هنری و فرهنگی کتاب، امیرحسین زالی روابط عمومی، دکتر مجید صفدری، دکتر مجتبی شیرالی، مهرداد سیداحمد نبوی پشتیبانی، آقای حسین جعفری و خانم مینا جعفری مشاورین اجرایی، دکتر محمد مرادبیات و دکتر سیدایمان موسوی تقدیر ویژه داشته باشیم.

امید است این کتاب بتواند هیاهویی را که سیاستمداران تشنه قدرت، در برابر نظامیانی که عرصه سیاست را سنگر جدیدی برای دفاع همه جانبه از کیان ایران و ایرانیان برمی‌شمرند، ایجاد کرده‌اند، خنثی کند و نقشی مهم در این انتخابات حساس ایفا نماید.

دکتر مهری سروش

مدیر انتشارات سروش دانش





پیشگفتار مؤلف

در داستان های تاریخی نقل است که روزی نادرشاه افشار در میانه جنگ با یکی از دشمنانش، پیرمردی با موی سپید را دید که دلاورانه و به مانند شیر مبارزه می کند. پس از جنگ او را به خیمه اش فراخواند و در میانه گفتگو متوجه شد پیرمرد از مردم اصفهان است. بلافاصله نادرشاه از او پرسید: «آن زمان که محمود افغان به اصفهان حمله کرد و شهر را تصرف می کرد کجا بودی؟ مگر در اصفهان نبودی؟» پیرمرد در جواب گفته بود: «آن زمان من بودم؛ اما همچون تو نبودی»

در این روزها که جمهوری اسلامی ایران برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب نخستین رئیس جمهور در قرن پانزدهم هجری قمری آماده می شود، این داستان کوتاه، تمثیلی است گویا برای بیان این حقیقت ساده که دانش برنامه، بودجه و منابع انسانی متخصص، اگرچه برای توسعه و پیشرفت لازم است، اما کافی نیست و کشور نیازمند مدیری قابل، شایسته، امین، و آشنا به سازوکارهای مدیریتی و اداره امور است که در جایگاه ریاست جمهوری ایران اسلامی، قدرت اتخاذ تصمیمات کلیدی و سرنوشت ساز در عرصه های داخلی و خارجی داشته باشد و علاوه بر حل مشکلات این روزهای مردم این سرزمین، با افق دید گسترده و عمیق، آینده بهتر و جایگاهی مستحکم تر برای کشور و مردم را به عنوان هدف خویش تعیین نماید و تأثیری مستقیم و ویژه ای بر آینده کشور داشته باشد. بر اساس مطالعات تطبیقی و واقعیت های قابل اعتبار تاریخی جهان، نویسندگان کتاب «رئیس جمهور نظامی» بر این باور هستند که با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی کشور که بخشی از آن به خاطر تحریم های ظالمانه نظام سلطه است و همچنین تنگی

معیشت ملت، آشفستگیها در اداره امور کشور و اتخاذ تصمیمات عموماً نسنجیده و کارشناسینشده، ضرورت حضور شخصیتی مقتدر، متین و نظامی در قامت ریاست جمهوری احساس میشود تا همچون دهقانی فداکار برای سیاست و اقتصاد کشور ریل‌گذاری شایسته‌ای انجام دهد و قطار نظام اسلامی را بار دیگر بر مسیر درست به سوی آینده‌های روشن هدایت نماید. از این منظر و با توجه به نمونه‌های تاریخی در سایر کشورهای جهان، اهمیت حضور شخصیتی نظامی-سیاستمدار در رأس قوه مجریه در ایران امروزی به خوبی احساس میگردد. هرچند چنین موضوعی سال‌ها در کشورهای گوناگون مطرح بوده و به واسطه نقش مثبتی که این رؤسای جمهور نظامی در توسعه کشورهایشان داشته‌اند، به امری پذیرفته شده و مثبت تبدیل شده است، در حوزه سیاسی و دیپلماسی کشور ما، علیرغم سابقه تاریخی در این زمینه، اما در ایران مدرن موضوعی نسبتاً نو محسوب می‌شود و ضرورت شناخت تاریخی در مورد آن جهت انتخاب درست ضروری است. شناختی که پیشینه‌ی مذهبی ما و فرهنگ قرآنی نیز تأیید گران است و بر عمل‌گرایی سیاسی هم‌اکنون و تجربه نظامی و تقویت حوزه دفاعی تأکید میکند. خداوند متعال در سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» در این آیه شریفه، خداوند به ما دستور می‌دهد در مقابل دشمنان هرچه می‌توانیم سلاح و نیرو فراهم کنیم؛ به عبارتی خود را از حیث منابع انسانی و امکانات دفاعی تجهیز نماییم تا بتوانیم دستورهای دین را در جامعه اجرا و از کیان مسلمانان دفاع کنیم.

شاهد تاریخی این مطلب نیز مقایسه شرایط نبی مکرم (ص) در ابتدای رسالت و قبل از هجرت و بعد از آن است. ایشان که در آغاز در خصوص اجرای احکام دین غیر از ابلاغ، قدرت دیگری نداشتند و دلیل آن، بی‌بهره بودن از پشتوانه نظامی بود. اما وقتی پیامبر (ص) به مدینه هجرت کرد و حکومت اسلامی را تشکیل داد، به دلیل همین پشتوانه نظامی بود که شکوفایی فرهنگ اسلام آغاز شد و نخستین حرکت تمدنی ایشان در زمینه ساخت مسجد، اجرای احکام دینی و سپس تشکیل سپاه و آماده‌سازی ساز و برگ نظامی برای جنگ با کفار و مشرکان صورت گرفت و به مدد تلاشهای شخص ایشان در زمینه تدوین سیاستهای مشخص نظامی برای تشکیل سپاه و چگونگی فرماندهی

جنگ‌ها بود که اسلام حفظ شد و زمینهای فتوحات مسلمانان و اعتلای تمدن اسلامی در جهان فراهم گردید.

پیامبر (ص) ضمن آنکه رهبر سیاسی مسلمانان بود، خود بسیاری از غزوات را فرماندهی نمود و در تدوین تاکتیکهای نظامی و اجرای آن نقشی تعیینکننده داشت. پژوهشگرانی که غزوات و سرایای پیامبر را به لحاظ نظامی تجزیه و تحلیل کرده‌اند، جملگی برآنند که پیامبر اکرم (ص) از نبوغ، خلاقیت و مهارت فوق العاده‌ای در فرماندهی برخوردار و همه صفات و ویژگی‌های فرماندهی را به کمال دارا بوده‌است و با تکیه بر همین تجربیات موفق گردید سیاستی درست را جهت جنگ و صلح به موقع اجرا نماید. بعد از دوران نبوت نیز، بسیاری از صحابه و یاران پیامبر (ص) به تأسی از ایشان در جنگها حضور پیدا می‌کردند و فرماندهی جنگها را برعهده میگرفتند و آن زمان که مسئول سیاست و اداره جامعه می‌شدند، شهرهای جدیدی میساختند؛ مناطق و ایالت را اداره میکردند؛ دیوان تأسیس میکردند و به امور قضایی، مالی و اجتماعی میپرداختند. به عنوان مثال، امام علی (ع) که فرماندهی نظامی و شجاعتش در جنگها زبانزد دوستان و دشمنانش بود، در حوزه مسائل سیاسی و مدیریت جامعه نیز رهبری توانمند بود. عزل زمامداران و استانداران نالایق، تقسیم عادلانه بیت المال، بازگرداندن اموال غارت شده به بیت المال، نظارت دقیق و همه‌جانبه و سختگیری در کار فرمانداران و استانداران، از جمله اقدامات مهم امام در دوران حکومتشان بود که نشان‌دهنده شیوه صحیح ایشان در مدیریت جامعه به عنوان شخصیتی نظامی-سیاستمدار است.

از زمان ورود اسلام به ایران و سپس شکل‌گیری حکومت‌های مستقل محلی در جغرافیای سرزمینی ایران در آغازین دهه‌های قرن سوم هجری قمری تا ایجاد یکپارچگی و وحدت سرزمینی تحت کنترل صفویان و سپس تثبیت این جغرافیا در عصر قاجار و آغاز حکومت پهلوی با درایت دو نظامی دیگر؛ یعنی آقا محمد خان قاجار و رضا شاه پهلوی همچنان شاهد آن هستیم که اغلب اشخاص موفق در عرصه حکومتداری و اداره سیاسی، همان کسانی هستند که سابقه نظامی‌گری درخشانی داشته‌اند.

حال که شیوه انتخاب حاکم سیاسی و اداری کشورها به نسبت گذشته تغییر کرده

و آرای مردمی و صندوق رأی تعیین‌کننده است، پیش از رفتن به پای صندوق رأی باید بدانیم در دورانی به سرمیبریم که جایگاه کشورها و قدرت‌ها در سطح جهان در حال تغییر است. در این دوره که به دوران گذار ژئوپلیتیکی معروف است، قدرت برخی کشورها به مانند پایان جنگ جهانی دوم رو به افول گذاشته است و دیگر کشورها در حال قدرت‌گیری هستند. از ویژگی‌های دوران گذار ژئوپلیتیک این است که هر جایگاهی که کشورها در این بازه زمانی کسب کنند، تعیین‌کننده جایگاه و نقش آینده آن‌ها در ساختار و نظام جهانی خواهد بود و در دهه‌های آتی هرگونه تلاش برای تغییر و ارتقای چنین جایگاهی، مستلزم صرف انرژی و هزینه‌های کلان اقتصادی و انسانی است. همانگونه که مردم به خوبی می‌دانند ایران به واسطه اهمیت ژئوپلیتیک و راهبردی که در جهان و منطقه دارد، می‌تواند در شرایط فعلی نقش بسزایی در تعیین قدرت برتر منطقه‌ای و جهانی داشته و خود دست بالا را در منطقه داشته باشد؛ رسیدن به چنین جایگاهی، مستلزم داشتن دانش نظامی و سیاسی در خوانش بازی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی است.

با وجود این، رافتمین خطوط سیاسی و امنیتی کشور میدانند که مشکلات داخل کشور، از قبیل فقر و بیکاری، رکود بازار صنعت و سرمایه، گرانی و کاهش قدرت خرید مردم، مشکلات سیاسی، حضور برخی عوامل خود فروخته در مناصب مهم کشوری، چمبره فساد بر بخش‌های مختلف و نزاع احزاب داخلی، موانعی عمده بر سر راه کشور در راه دستیابی به این برتری و استحکام موقعیت برتر است؛ لذا به نظر می‌رسد کشور نیازمند رئیس‌جمهوری است که ضمن داشتن دانش نظامی عمیق در بخش‌های دفاعی و موشکی کشور و حضور فعال و ارتباط با نیروهای منطقه‌ای همسوی نظام اسلامی، دارای قابلیت‌های اداری و اجرایی باشد تا بتواند کشتی نظام را از گرداب مشکلات به ساحل آرامش برساند. این شخصیت باید قابلیت‌های زیر را از خویش نشان دهد:

۱. دارای اقتدار و سیاست باشد تا ضمن ایستادگی در مقابل دشمنان بتواند در دوران گذار ژئوپلیتیک از یکسوز ارتباط کشور با دنیا برقرار کند و از سوی دیگر از نفوذ قدرت‌های جهانی در داخل جلوگیری کند؛

۲. برنامه‌ای اجرایی و عملیاتی برای اداره امور کشور، رفع فقر و بیکاری و ایجاد اشتغال

پایدار داشته باشد؛

۳. حاکمیت قانون را در کشور نهادینه کند و قانون را در خدمت روان سازی و تسهیل امور مردم قرار دهد و به رفتارها و ساختارهایی که به نام قانون از مردم یقه گیری می کنند، خاتمه دهد؛

۴. به نزاع بی پایان دولت و بخش خصوصی خاتمه دهد؛ اعتماد بخش خصوصی را جلب نماید؛ بخش خصوصی را مقوم اقتصاد ملی بداند؛ به جای میج گیری، در صدد دستگیری از فعالان اقتصادی باشد و به مداخله های بیش از حد دولت در اقتصاد پایان بخشد؛

۵. فرهنگ تولید و کار را در کشور تبدیل به ارزش کند؛ به تولیدکننده و کارآفرین بها دهد؛ بستر فعالیت آنان را فراهم نماید و بانک، بیمه و سرمایه را بدون پیش شرط در خدمت تولید قرار دهد؛

۶. فردی ملی گرا و غیر وابسته به شرق و غرب باشد تا منافع ملی کشور را فدای منافع کوتاه مدت خود در قبال قدرت های جهانی نکند؛

۷. در عرصه بین الملل، برای پیشبرد منافع ملی کشور، دکترین صلح طلبی را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار دهد؛

۸. به نزاع های داخلی پایان دهد و ضمن تعامل با تمامی احزاب و گروه ها از وابستگی های حزبی مبرا باشد و توان احزاب را در اختیار توسعه کشور قرار دهد؛

۹. سیاستمداری کهنه کار باشد؛ اما پرونده اش همچون سیاستمداران تازه کار سفید باشد.

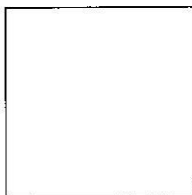
با توجه به اوضاع داخلی و بین المللی میتوان نتیجه گرفت در سال ۱۴۰۰ این فرضیه در ذهن ایجاد می گردد که شاید رئیس جمهور نظامی، بهترین گزینه تصدی ریاست قوه مجریه باشد؛ زیرا برخلاف اکثر سیاستمداران غیر نظامی، کارکرد اصلی نظامیان حفظ وضعیت امن برای جامعه است و از ارزش هایی مثل ارتباط متقابل، احساس مشترک با مردم، خوداتکایی و صلح طلبی برخوردارند؛ افزون بر این، اقتدار و ملی گرایی نظامیان، توان مدیریت آنان در شرایط سخت و بحرانی، تفکر سازمانی، مدیریت ساختارمند و پایبندی آنان به کار تیمی، ویژگی های ارزشمندی است که صاحبان آن، هیچگاه فرصت ورود به ساختمان پاستور را نداشته اند.

در پایان امید است مردم عزیز کشورمان با تاریخ خوانی و گذشته نگری وقایعی چون ژوئن ۱۹۴۰م. فرانسه را به یاد داشته باشند. آن هنگام که آن کشور در جنگ جهانی دوم، تسلیم آلمان شده بود و آدلف هیتلر در خیابان شانزه‌لیزه از رژه سربازان آلمانی سان می دید و جهان از پیشرفت ارتش آلمان حیرت زده بود، ژنرال دوگل از رادیوی بی‌سی پیامی برای مردم فرانسه فرستاد که در آن روزهای ظلمت، روشنی و امید در دل فرانسویان به وجود آورد و سرآغاز نهضت مقاومت آن کشور شد. او گفت: «میهن ما در خطر مرگ قرار دارد؛ برای نجات آن پیکار کنیم» و از مردم فرانسه خواست که در فداکاری و امید با او متحد شوند. اکنون برملت ما نیز بایسته است برای نجات کشور، در انتخاب رئیس‌جمهوری نظامی - سیاستمدار به اجماع برسند.

این کتاب می‌کوشد پاسخی علمی - تاریخی به افکار عمومی جامعه جهت آگاهی تاریخی از چگونگی فعالیت نظامیان در عرصه سیاست، ارائه کند. تذکر این نکته لازم است که در کتاب حاضر تلاش بر آن بوده است تا نمونه‌های بیشترین پژوهش، درباره نظامیانی باشد که از طریق «ای مستقیم و غیر مستقیم مردم یا انقلاب مردمی به قدرت رسیده‌اند؛ بنابراین نظامیانی که از راه کودتا قدرت سیاسی را در دست گرفته، مورد توجه نبوده‌اند یا اگر به یکی دو مورد اشاره شده است، اغلب کسانی بوده‌اند که باعث تحولات بسیار مثبت در جامعه گردیده‌اند و به نوعی محبوبیت عمومی دست یافته‌اند. همچنین به تکرار مجدد باید بیان کرد که بررسی عملکرد این افراد و ارزش گذاری فعالیت‌های مختلف آنها صرفاً از دیدگاه منافع ملی آنان ارزیابی شده است و چه بسا این منافع گاه با منافع ملی و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در تضاد باشند؛ و لذا به معنی تأیید آنها از منظر دیدگاه‌های کلان ما نیست و صرفاً به عنوان نمونه‌های موفق درون سرزمینی عملکرد یک شخصیت نظامی - سیاستمدار، مورد توجه بوده‌اند.

صادق خانی علی اکبری

تهران، ۱۹ بهمن ۱۳۹۹



مقدمه

نگاهی تاریخی به چگونگی حضور نظامیان در قرن معاصر

مدرنیته به آسیب‌زنده‌ترین و در نتیجه بیدارکننده‌ترین شکل خود، یعنی امپریالیسم نظامی‌گرایانه، وارد ایران و بسیاری از دیگر کشورها شد. دودمان قاجار در آغاز قرن نوزدهم خود را در برابر حمله بی‌امان مدرنیته که به شکل فشار و تجاوز نظامی روسیه تزاری از شمال و بریتانیا از جنوب وارد شد، ناتوان یافتند. نخستین اقدام چشمگیری که حکومت ایران برای مقابله با تسلط اروپای نوین انجام داد، اعزام دانشجویان ایرانی به اروپا و استخدام کارشناسان اروپایی، به ویژه مشاوران نظامی بود. در رویارویی اولیه ایران با مدرنیته، بیشترین توجه به عرصه‌های نظامی و فتاوری معطوف بود و نظامی - سیاستمدارانی، همچون عباس میرزا با دیدگاه واقع‌گرایانه به بخشی ضرورت اصلاح بنیادین در این حوزه را دریافتند. هرچند اقدامات وی و اشخاصی، همچون امیرکبیر، میرزا حسین خان سپهسالار و دیگر اصلاح‌طلبان قاجاری در نهایت به نتایج پایداری ختم نگردید، باعث نفوذ این فکرنوین در ساختار حکومت و جامعه ایران شد که تفکیک امور و تخصصی‌شدن مسائل در عین هماهنگی بین سیاست‌های نظامی، اقتصادی و اجتماعی از ضرورت‌های عصر جدید است. انقلاب مشروطه و تغییر حکومت از قاجار به پهلوی که بر خلاف تغییر حکومت‌های قبلی از راه غیر نظامی، هرچند با تسلط یک شخص نظامی صورت گرفته بود، نیز تلاشی در همین مسیر بود.

حضور نظامیان در دوران پیشامدرن در عرصه سیاست را اگرچه می‌توان امری بدیهی و در زمینه تاریخی آن، قضاوت و ارزش‌گذاری کرد، اما در دوران مدرن با بررسی

کلی تاریخ جهان می‌توان این مسئله را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، به خصوص در پی بحران‌هایی، چون جنگ و مبارزات استقلال‌طلبانه ملت‌ها، حضوری برای هموارنمودن مسیر به سوی جامعه‌ای مبتنی بر اصول دموکراسی در کشورهای مختلف دانست. تشدید شور ملی‌گرایی در پی دو جنگ عالمگیر جهانی، اشتیاق ملت‌ها در مبارزه با استعمار و خواست عمومی برای نیل به توسعه و رفاه جمعی، برخلاف دوران قدیم این بار در برجسته‌ترین کشورهای تأثیرگذار جهانی، نظامیان را نه با زور سرنیزه که اغلب با خواست عمومی یا تحرکاتی مبتنی بر حمایت افکار جمعی، به قدرت رساند.

منهای کشورهای که ساختار آن‌ها قبیله‌گرایی و مبتنی بر اختلافات عمیق مذهبی بود، در اغلب دیگر کشورها حضور نظامیان در عرصه سیاست، به خصوص پس از جنگ جهانی دوم سرمنشأ تحولات مثبتی گردید. این نظامیان به قدرت رسیده، در ویژگی‌هایی چون مردمی‌بودن، توجه به رفاه اقتصادی و امنیت اجتماعی، دارا بودن رویکرد صلح‌طلبانه، انعطاف‌پذیری در پذیرش ائتلاف با گروه‌های رقیب و نخبگان اجتماعی، داشتن عرق ملی و اجرای سیاست‌های ضد استعماری با رویکرد واقع‌گرایانه، با هم دارای اشتراکاتی هستند. در ادامه و در نگاهی کلی و مطالعه‌ای تطبیقی با ذکر نمونه‌های عینی و تاریخی به این شباهت‌ها خواهیم پرداخت.

نظامیان چه در دوران پیشامدرن، چه در عصر مدرن تاریخ جهانی، در بسیاری از کشورها با ویژگی بارزی شناخته می‌شوند و آن، دارا بودن حس ملی‌گرایی شدید در آنان است. در این مطالعه تطبیقی، در بررسی زندگی این اشخاص به هنگام پذیرش مسئولیت‌های سیاسی و سیاست‌های اعمالی آنان، این مورد به وفور جلب توجه می‌کند. این ویژگی به نوعی با سیاست‌های ضد استعماری ایشان هماهنگی کامل دارد؛ به عنوان مثال مصطفی کمال آتاتورک را می‌توان در آغاز این فهرست قرار داد. در منابع مختلف از وی چونان رهبری نظامی که مهم‌ترین دستاوردش، ملت‌سازی برای ملت ترکیه است، یاد شده است؛ همچنان که از وینستون چرچیل برای نشان دادن خصلت ملی‌گرایی‌اش، به «سگ نگهبان بریتانیا» و «انگلیسی تمام عیار» تعبیر کرده‌اند.

این خصلت در سیاست‌های ژنرال دو گل نیز بسیار پررنگ بود و سبب گردید، یکی از پایه‌های اصلی و مهم آنچه که به گلیسم مشهور شد، همین ویژگی باشد.

رویکرد ملی‌گرایانه در رهبران نظامی جهان در حال توسعه، به خصوص چون پیوندی تنگاتنگ با مبارزات ضد استعماری داشت، جلوه‌ای درخشان تر دارد. جمال عبدالناصر را شاید بتوان نمونه مشخص آن دانست. ناصر مایل به بیطرفی مصر در منازعه شرق و غرب بود و هدف خویش را استعمارزدایی از کشورهای آسیایی و آفریقایی می‌دید. وی به منظور دورنگه داشتن خاورمیانه از تقسیم‌بندی شرق و غرب تلاش کرد پیمانی را به وجود آورد که استقلال داشته باشد و خود را در دامن یکی از دو بلوک آن زمان نبیند؛ چراکه از نظری اساساً هیچ‌کدام از دو بلوک، دغدغه کشورهای جهان سوم را نداشتند؛ از همین رو در سال ۱۹۵۵ با حضور مارشال ژوزف تیتو (رئیس جمهور یوگسلاوی سابق)، جواهر لعل نهرو (نخست‌وزیر هند) و احمد سوکارنو (رئیس جمهور اندونزی)، جنبش عدم تعهد را در باندونگ اندونزی تأسیس نمود و خود مدتی دبیر کل آن بود. جمال عبدالناصر که شور ملی‌گرایی در او همیشه وجود داشت و این مورد منبعث از فعالیت‌های وی در کسوت نظامیان بود، پس از رسیدن به قدرت و به تاختی از حرکت جبهه ملی در ایران برای قطع دست انگلیسیها از صنعت نفت، در صدد ملی کردن یکی از مهم‌ترین آبراههای جهان برآمد. این سیاست که یک گام بلند در استعمارزدایی مصر بود، پیام تغییر را به سراسر منطقه و جهان مخابره کرد. ناصر تا به امروز، شخصیتی نمادین در سراسر جهان عرب، نمادی از وحدت و عزت عرب و شخصیتی برجسته در تاریخ نوین خاورمیانه به شمار می‌آید. تا می‌نویسد که ناصر علی‌رغم اشتباهات و کاستی‌هایش «احساس ارزش شخصی و غرور ملی‌ای را به وجود آورد که [مصر و اعراب] ۴۰۰ سال از آن اطلاع نداشتند.» ناصر با اقدامات و سخنرانی‌های خود توانست نماد اراده مردمی عرب و الهام‌بخش چندین انقلاب ملی‌گرایانه در جهان عرب باشد.

در همین راستا می‌توان از هواری بومدین نیز نام برد. ملی‌گرایی بومدین نقش مستقیمی در استقلال طلبی الجزایر داشت. بومدین در سیاست خارجی، سیاست

عدم تعهد، حفظ روابط خوب با بلوک کمونیست و کشورهای جهان سرمایه داری و ارتقای همکاری با جهان سوم را دنبال کرد. وی در سازمان ملل متحد خواستار ایجاد وحدتی بر پایه منافع برابر برای کشورهای غربی و مستعمره های سابق که از راه تغییر سبک سوسیالیستی در روابط سیاسی و تجاری به دست می آید، شد. او به دنبال ایجاد بلوک قدرتمند جهان سومی از طریق جنبش عدم تعهد بود و خود به شخصیتی برجسته در آن زمینه تبدیل شد. وی از آزادی خواهان، عدالت خواهان و برابری خواهان بدون هیچ قید و شرطی حمایت می کرد. بومدین به جنبش های ضد استعماری و سایر گروه های مبارز در سراسر آفریقا و جهان عرب، از جمله سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر کشورها، کمک و از آنها پشتیبانی کرد. در مجموع جهت گیری های سیاست خارجی رئیس جمهور بومدین، با سابقه نظامی، شامل چندین اصل، از جمله مبارزه با امپریالیسم و استعمار، حمایت از جنبش هایی که برای وحدت می جنگیدند، حمایت از جنبش های رهایی و مبارزه برای همکاری بین المللی بود. وی همچنین با الجزایری کردن فرهنگ، آموزش و ساختارهای جامعه الجزایر، نقش مهمی در احیای هویت ملی مردم آن کشور داشت. احیای هویت ملی و ملت سازی همچنین به لحاظ اقدامات اصلی توژمان رهبر استقلال کرواسی نیز محسوب می گردد. این مسئله را در اقدامات سانتوس برای ساختن کلمبایی متفاوت نیز می توان ردیابی نمود. چاوز در ونزوئلا و سیاست هایش را نیز باید در همین چارچوب ارزیابی کرد؛ سیاست خارجی او دو سرفصل عمده داشت که هر دو بخش، دوروی یک سکه بودند: هم گرایی و تأکید بر استقلال آمریکای لاتین و مقابله با سلطه ایالات متحده آمریکا.

همان گونه که ذکر گردید، سیاست های ضد استعماری از ویژگی های مشترک اغلب این نظامیان سیاستمدار است. حتی اگر آنان در کشوری به قدرت رسیده باشند که سابقه ای طولانی در استعمارگری داشتند، رویکرد واقع بینانه ایشان در اغلب موارد باعث گردیده تا ضرورت تغییرات جدید را پذیرفته و خود پیش قدم در اجرای آنها باشند؛ به عنوان مثال ژنرال دو گل معتقد بود که فرانسه باید از مسئولیت تسلط بر کشورهای مستعمره

رهایی یابد؛ از این رو استقلال ۱۲ کشور آفریقایی را اعلام کرد و آن‌ها را در وابستگی یا عدم وابستگی اقتصادی به فرانسه آزاد گذاشت؛ همچنان‌که می‌توان، مهم‌ترین مشخصه سیاست خارجی کلمنت اتلی را سیاست استعمارزدایی وی دانست. می‌توان وی را رهبر اصلی برنامه ریزی و دستیابی به روند استعمارزدایی امپراتوری انگلیس از آسیا دانست؛ برای نمونه، وی در سال ۱۹۴۷ م. لایحه اعطای استقلال به هند و پاکستان را تنظیم کرد و با تخلیه نیروهای انگلیس از فلسطین با حمایت مردم انگلستان، موضوع را به سازمان ملل واگذار کرد.

نظامیان سیاستمداری که زندگی، زمانه و فعالیت‌های آن‌ها در این پژوهش بررسی شده است، اغلب با پیشینه تحصیلات و فعالیت در حوزه نظامی-دفاعی و گاهی با حضور مستقیم در جنگ و دفاع ملی، لازمه پیشرفت در ابعاد مختلف را ایجاد امنیت و آرامش و صلح در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی می‌پنداشتند. در این خصوص شاهد آن هستیم که بیشتر این اشخاص با فعالیت مؤثری را در این زمینه انجام داده‌اند: به عنوان مثال مصطفی آتاتورک با شعار "صلح در خانه، صلح در جهان" آغازگر فصل جدیدی در تاریخ ترکیه گردید؛ آن‌چنان‌که جانشین وی، عصمت اینونو، با آنکه آغاز ریاست جمهوری‌اش با جنگ جهانی دوم همراه گردید و از سوی متحدین و متفقین برای ورود به جنگ کاملاً تحت فشار بود، با رویکرد واقع‌بینانه از خسارت ورود به جنگی نابرابر برای ملت نوپای خویش آگاه بود و از ورود به آن پرهیز نمود؛ در واقع می‌توان عدم ورود وی به جنگ جهانی را مهم‌ترین دستاوردش محسوب کرد.

بررسی دقیق سیر فعالیت‌های چرچیل، با آنکه گروهی او را جنگ‌طلب توصیف کرده‌اند. نشان‌دهنده آن است که تلاش عظیم وی پایان جنگ با بهترین نتیجه ممکن بوده است. صد و بیست بار ملاقات و گفتگوی وی با روزولت، تصمیمات معقول و طراحی ائتلافی بین‌المللی برای اتمام جنگی جهانسوز، او را به اسطوره‌ای دست‌نیافتنی در جهان سیاست تبدیل کرده بود.

صلح‌خواهی و ایجاد شور امید در میان مردمی خسته از جنگ، از نکات مورد توجه

در کارنامه سیاسی ژنرال دو گل است. وی ضمن توجه به تقویت حوزه دفاعی فرانسه، با این شعار از میدان جنگ جهانی به کشور بازگشت: «کارهای بزرگ تنها از مردان بزرگ ساخته است و مردان هنگامی بزرگ می‌شوند که بخواهند و اراده کنند». دو گل برای نمایش توانایی‌های نظامی کشور، برنامه سلاح‌های هسته‌ای را با موفقیت پیش برد. او در این باره گفته بود: «اگر کشوری بزرگ دارای بمب اتمی نباشد، در حالی که دیگر کشورها دارای آن باشند، قادر به رهبری سرنوشت خود نخواهد بود». وی عقیده داشت کشوری که فاقد بمب اتمی است، نمی‌تواند سیاست خارجی مستقلی داشته باشد. در دوران مسئولیت ژنرال دو گل، فرانسه توانست از کشوری جنگ‌زده به یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان تبدیل شود. او به حفظ جمهوری و روحیه مقاومت پایبند بود. در ژوئن ۱۹۴۰ در اوضاعی که مردم بسیار ناامید شده بودند، توانست امید و صلح را به جامعه برگرداند و به کشور جهت بدهد. وی همچنین توانست جمهوری و پایه‌های اصلی دموکراسی فرانسه را حفظ کند.

فرایند صلح‌خواهی دو گل، در سیاست‌های یکی دیگر از نظامیان جانشین وی، یعنی ژاک شیراک نیز به روشنی دیده می‌شود. در سال ۲۰۰۲ زمانی که جرج دابلیو بوش موضوع جنگ عراق را در سازمان ملل متحد مطرح کرد، شیراک با وی سخت مخالفت کرد و این موضع‌گیری، توجه عموم را بیشتر به وی جلب کرد. شیراک در این راستا با گرهارد شرودر، صدراعظم آن هنگام آلمان و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، ائتلافی ضد جنگ تشکیل داد. خودداری از همراهی با آمریکا و بریتانیا در حمله به عراق و رأی منفی فرانسه در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به نماد استقلال رأی فرانسه در عرصه بین‌المللی تبدیل شد. شیراک همچنین از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶ انتقاد کرد. یکی دیگر از اقدامات مهم وی، همکاری راهبردی با آلمان در همه موضوعات دوجانبه منطقه‌ای و بین‌المللی بین دو کشور بود و ستیزهای تاریخی الزاس را به همکاری راهبردی و پیمان همکاری استراسبورگ رساند و آغاز هزاره جدیدی را در مناسبات راهبردی فرانسه با همسایه تاریخی آلمان مبدل کرد.

توجه به سیاست‌های صلح‌طلبانه برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی و ارتقای سطح رفاه عمومی، از برنامه‌های مهم سیاسی مایینگ ژئودر تایوان بود. تلاش وی برای توسعه روابط و صلح‌اندیشی سبب گردید، در سال ۲۰۱۴ مدال بزرگ آیزنهاور را از طرف مؤسسه PTPI برای تلاش‌هایش در طرح صلح دریای چین شرقی و میانجی‌گری اختلافات ارضی دریافت کند.

فرانکلین دلانوروزولت نیز از کسانی است که تلاش‌های بین‌المللی او در راستای صلح و ایجاد امید در میان مردم آمریکا در این قسمت قابل ذکر است. بیهوده نیست که او را بزرگ‌ترین رئیس جمهور ایالات متحده میدانند؛ چراکه او ملتی نامید، اقتصادی درهم‌شکسته و کشوری انزواطلب را تحویل گرفت؛ اما سرزمینی آباد، ملتی پرامید و اقتصادی پویا به جای گذاشت و کشورش را به قدرتمندترین و پرنفوذترین کشور در نیمه دوم قرن بیستم تبدیل نمود؛ همچنان‌که دیگر جانشین وی، ریچارد نیکسون که اتفاقاً او هم با پیشینه نظامی وارد جهان سیاست شده بود، توانست پس از سال‌ها جنگ بی‌ثمر، با دیدگاهی واقع‌بینانه با قرارداد صلح پاریس در سال ۱۹۷۳ به جنگ ویتنام خاتمه دهد. او همچنین از فضای بهبود یافته بین‌المللی برای پرداختن به موضوع صلح هسته‌ای استفاده کرد. نیکسون و بانوی اول در سال ۱۹۷۲ وارد مسکو شدند و با لئونید برژنف، دبیر کل حزب کمونیست و چندی از دیگر مقامات برجسته شوروی دیدار کردند. در این اجلاس توافقاتی برای افزایش تجارت و دو معاهده مهم کنترل تسلیحات و پیمان منع تولید موشک‌های ضد موشک ارائه شد و دوره‌ای از صلح به ارمغان آمد.

توجه به قراردادهای صلح بین‌المللی تنها فعالیت‌های صلح‌آمیز این نظامیان سیاستمدار نبوده است. برخی از آنان در مسائل داخلی نیز توانسته‌اند به جنگ‌های خانمان برانداز با موفقیت پایان دهند. راموس، رئیس جمهور نظامی فیلیپین، از این نمونه‌هاست. یکی از اقدامات مهم راموس صلح‌طلبی وی برای تثبیت شرایط رو به بهبود فیلیپین بود. این ژنرال نظامی، با هیئت‌های شورشی «مورو» صلح کرد و در امضای توافقنامه صلح نهایی بین دولت و جبهه آزادیبخش ملی مورو به رهبری نور میسوار

در سال ۱۹۹۶ نقش مهمی داشت. راموس به دلیل ایجاد این صلح، برنده جایزه صلح نونسکو در سال ۱۹۹۷ شد.

چنین اقدام مثبتی را سانتوس در کلمبیا رقم زد. او از ابتدای به قدرت رسیدن، سیاست خود را بر چندین اصل گذاشت که همه آن برنامه‌ها به دنبال هدفی واحد، یعنی پیشرفت کلمبیا بود. وی به عنوان فردی با پیشینه تحصیلات نظامی و فعالیت در حوزه دفاعی، می‌دانست لازمه پیشرفت، ایجاد امنیت و آرامش است و رسیدن به این امر را در گروهی صلح با فارک (گروه چریکی مخالف دولت) می‌دانست. سانتوس پس از سال‌ها به این صلح دست یافت و به سبب این اقدام مهم، جایزه صلح نوبل سال ۲۰۱۶ را از آن خود کرد.

همان‌گونه که صلح در بستر بین‌المللی در گروه‌گفتگوها و ائتلاف با کشورهای مختلف تحقق می‌یابد و اغلب این نظامیان سیاستمدار در این مسیر موفق بوده‌اند، در تحولات داخلی این کشورها نیز شاهد هستیم که این افراد ضمن توجه به تقویت اصول دفاعی، به ارتباط با نخبگان و ائتلاف با گروه‌های مختلف برای نیل به اهداف ملی توجه داشته‌اند. همچنان که برخلاف باور و انتظار عمومی این نظامیان اغلب در دسترس مردم نیز بوده‌اند و از این منظر دارای وجهه‌ای ملی و مردمی نیز هستند؛ به عنوان مثال در هند دولت ائتلافی تحت رهبری عبدالکلام آزاد، توانست احترام و توجه جهانی را جلب کند. عبدالکلام به دلایل مختلف در بین مردم به عنوان «رئیس جمهور مردم» و «مرد موشکی هند» شناخته می‌شد؛ زیرا وی از عموم مردم در قصر دهلی نواستقبال میکرد و همواره در دسترس مردم بود و نقشش در پرتاب موفقیت آمیز موشک و ماهواره‌های هند و دستیابی این کشور به بمب اتم فراموش نشده بود.

پارک چونگ هی نیز در کره جنوبی، روش فائق آمدن بر این مشکلات را انباشت دانش و تجربه‌های موجود از طریق تعامل و دخالت اثربخش نخبگان در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی به همراه دولت و ایجاد ارتباط سازنده حتی با دشمنان می‌دانست. برنامه‌های اقتصادی ابدایی «پارک»، کشورش را به یکی از کشورهای با سریع‌ترین رشد

اقتصادی در جهان تبدیل کرد و در واقع آنچه «معجزه اقتصادی» کره جنوبی نامیده می‌شد، بیشتر مدیون برنامه‌های وی بود که می‌خواست با الگو قرار دادن ژاپن، کره را به جامعه سرمایه‌داری پویایی در آسیا تبدیل کند. صلح با ژاپن و سرریز شدن سرمایه‌های ژاپنی به کره از دیگر اقدامات وی است که او را مستحق لقب «ژنرال توسعه» نموده است. قدرت ائتلاف با نخبگان و اثرگذاری بر مردم، باعث شده که دیگر نظامی سیاستمدار شرق آسیا نیز با چنین توصیفاتی معرفی شود: «سوکارنودر عصر کنونی تنها رهبر آسیایی‌ای بود که توانست مردمانی چنین گوناگون، از دید نژاد و فرهنگ و دین را گرد هم آورد و یکی گرداند؛ بی‌آنکه قطره‌ای خون از کسی بریزد».

صلح طلبی و ائتلاف با رقبای سیاسی آنچنان ویژگی پررنگی در میان اغلب این نظامیان سیاستمدار است که در بیشتر کشورها و قاره‌های جهان می‌توان چند نمونه موفق از ایشان و اقداماتشان را در تکمیل این مبحث ارائه داد؛ فعالیت‌های ژنرال گوون در نیجریه از این دست است. پس از پیروزی نیروهای دولتی بر شورشیان در زمان گوون، او که تجربیات متفاوت و مفیدی از حضور در نیروهای نظامی داشت، آشتی ملی اعلام کرد. شورشیان شکست خورده نیز از این تصمیم استقبال کردند و به صف نیروهای وی پیوستند. با این اقدام ضمن آنکه امنیت در نیجریه برقرار شد، یکپارچگی این کشور نیز تضمین شد. برخی از محققان به درستی این دستاورد بزرگ را ناشی از شخصیت کاریزماتیک گوون می‌دانند که در این زمان در میان مردم نیجریه جایگاهی والا یافته بود. دستیابی این نظامیان به جایگاه والای مردمی به گونه‌ای بود که مراسم خاکسپاری چرچیل را به بزرگ‌ترین گردهمایی برپا شده در تاریخ انگلستان تبدیل نمود و ژاک شیراک را به محبوب‌ترین سرنشین کاخ الیزه در تاریخ جمهوری پنجم رسانید. آن چنان که راموس را در معرض اعتماد و تحسین گسترده بسیاری از مردم به سبب تجدید حیات و اعتماد بین‌المللی در اقتصاد فیلیپین قرار داد. در مصر نیز جمال عبدالناصر ارتباط مستقیمی با مردم داشت و قهرمان عدالت اجتماعی از منظر آن‌ها بود و دوران وی دوران خاطره‌انگیز تاریخ مصر و جهان عرب محسوب می‌گردد.

همان گونه که در صفحات پیشین ذکر گردید، حضور نظامیان در دوران نوین اغلب بنا بر ضرورت روز و البته اغلب با رأی مستقیم و غیر مستقیم مردم در انتخابات پارلمانی صورت پذیرفته است. عمل گرای، واقع بینی و صلح طلبی ایشان در موارد موفق، پرونده ای از درخشش های عملی ایشان در مسائل اقتصادی و ارتقای سطح رفاهی جامعه را نیز رقم زده است. نظامیان سیاستمداری که در نمونه های عینی بالا نام و عملکردشان به اجمال شرح شد. اغلب در حوزه اقتصادی و اجتماعی نیز پرونده قابل قبولی دارند؛ به عنوان مثال دوران عبدالناصر در مصر دورانی بود که شهروندان عادی از دسترسی بی سابقه به مسکن، تحصیلات، کار، خدمات بهداشتی و تغذیه ای و همچنین سایر اشکال رفاه اجتماعی برخوردار بودند.

دوران میچل باشله، یکی از معدود زنان نظامی سیاستمدار در شیلی را نیز به دلیل این موفقیت های اقتصادی، نقطه عطفی در تاریخ این کشور می دانند. وی در این دوره، اقدام به بهینه سازی پوشش دهانی در شیلی نمود و برنامه های اجتماعی گسترده ای را برای کمک به خانواده های تهیدست اجرا کرد؛ افزون بر آن به حق طلاق در شیلی مشروعیت بخشید و مبارزه گسترده ای را علیه بی سوادی آغاز کرد. اقتصاد شیلی در دوره او رونق گرفت. در سال های ریاست جمهوری باچله، شیلی اصلاحات قابل توجهی را تجربه کرد و از رشد اقتصادی قابل توجهی (۶ تا ۸ درصد سالانه) برخوردار بود. در اواسط دوران دوم ریاست جمهوری میچل باچله، معجزه اقتصادی در شیلی اتفاق افتاد؛ به طوری که پس از ریاست جمهوری اش، شیلی در پیش بینی های بانک جهانی در بین ۵ کشور نخست در حال رشد جهان قرار گرفت. در طی هشت سال ریاست جمهوری باچله، بیکاری به پایین ترین سطح خود رسید؛ تورم بسیار پایین آمد و دولت وی توانست سیستم بانز نشستگی را اصلاح کند. باچله در زمان ریاست جمهوری اش دروازه های ورود سرمایه گذاران خارجی به شیلی را گشود و با امضای یک قرارداد آزاد تجاری که اجازه می داد رشد اقتصادی کشور شش درصد در سال افزایش داشته باشد و میزان بیکاری نیز به میزان هشت درصد کاهش یابد، به اقتصاد کشورش کمک کرد.

نظامیان نخست وزیر در تاریخ انگلستان نیز در این زمینه قابل ذکر هستند؛ به عنوان مثال حضور اتلی در جامعه نظامی در جنگ و فعالیت های مددکاری در مناطق فقیرنشین، وی را به سمت این دیدگاه سوق داد که دولت مسئول ایجاد رفاه عمومی برای برطرف کردن ساختار فقر در جامعه است؛ به همین دلیل دولت وی تلاشی وافر در ایجاد بهبود سطح رفاهی جامعه داشت. چنین تلاشی در میان نظامیان سیاستمدار فرانسوی، مانند ژرژ پمپیدو نیز قابل مشاهده است. وی در دوره ریاست جمهوری خود، دولتی با ثبات را در اختیار فرانسه قرار داد و اقتصاد آن کشور را تقویت کرد. اقتصاد فرانسه در دوره وی در طی سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ بسیار شکوفا شد و حتی از اقتصاد آلمان غربی نیز پیش افتاد. تا سال ۱۹۷۴ تبدیل فرانسه به یکی از قدرت های بزرگ اقتصادی جهان، احتمالاً بیش از هر چیز دیگری مدیون پمپیدو بود؛ به عبارتی دیگر ریاست جمهوری وی با اقداماتی برای گسترش مزایای رشد سرمایه داری در هر خانوار فرانسوی برجسته است. وی توانست با وضعیت موجود در فرانسه، به سازشی برسد که افزایش چشمگیری در درآمد سالانه کارگران ایجاد کند.

سیاست موفقیت آمیز سانتوس در برقراری صلح داخلی، همچنین با سابقه چشمگیری از موفقیت ها در جبهه اقتصادی، از جمله مهارت در کاهش بیکاری و بازار غیررسمی، نظارت بر رشد مداوم تولید ناخالص داخلی کلمبیا و نجات ۵٫۴ میلیون کلمبیایی از فقر. در حالی که بحرانی در قیمت جهانی نفت به وجود آمده بود. همراه بوده است. سانتوس در سال ۲۰۱۶ به غیر از دریافت جایزه صلح نوبل، جایزه انجمن اقتصاد نوین را برای توسعه اقتصادی و انسجام اجتماعی دریافت کرد.

مطالعه مداخل های اصلی این پژوهش تاریخی که اغلب با تکیه بر نمونه های آماری روشن در مباحث اقتصادی همراه است، به خوبی تحولات مثبتی را که سیاست های اقتصادی این نظامیان سیاستمدار به همراه داشته است، بازگو می کند. در پایان این بخش از پژوهش، ذکر این نکته ضروری است که بررسی عملکرد و زندگی این افراد ارزش گذاری فعالیت های آن ها صرفاً از دیدگاه منافع ملی آنان ارزیابی شده است و چه

بسا این منافع گاه با منافع ملی و سیاست‌های انقلاب اسلامی ایران در تضاد باشد؛ لذا هدف این پژوهش به هیچ‌روی ارزش‌گذاری عملکرد این افراد از منظر دیدگاه‌های ما نیست. این پژوهش به دنبال نشان دادن جایگاه نظامیان سیاستمدار در عرصه فعالیت‌های سیاسی در ساحت نظام جهانی است؛ ساحتی که این حضور را به صورت کلی مذموم نمی‌داند، بلکه به ضرورت از آن استقبال می‌کند. پرونده عملکرد این نظامیان به خوبی نشان از موفقیت‌های برجسته آن‌ها در این زمینه دارد و بهتر آن که به جای پیش فرض قرار دادن گزاره ابطال‌پذیر حضور مخرب نظامیان در سیاست، با مطالعه فرایند تاریخی این حضور، از فعالیت ایشان با تجربیات ارزنده نظامی در عرصه سیاست استقبال نماییم.

www.ketab.ir